

## عنوان مقاله:

نقش و مفهوم فضا در بازآفرینی نظریه معماری و علوم اجتماعی

## محل انتشار:

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره 7، شماره 2 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسندگان:

اسماعیل ضرغامی - دانشیار معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

سید محمد بهروز - دانشجوی دکتری معماری دانشکده شهرسازی و معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

## خلاصه مقاله:

فضا از اواخر قرن نوزدهم و تا پیش از دهه 1960 در معماری کلیدواژه اصلی بود اما به تدریج اهمیت نظری خود را در دانش معماری از کف داد. این تحول عمدتاً به سبب فرا گیر شدن نشانه شناسی پسامدرن و نظریات مکان در معماری بود. دانش اجتماعی اما مسیر برعکسی را طی نمود، در قرن نوزدهم، در آگاهی مدرن و ب واسطه تاریخی گری، فضای کسره در انقیاد زمان درآمد، مراحل زمانی توسعه مورد توجه قرار گرفت، زمان خطی بود و فضا حاشیه ای. در تمام این دوره مراد از فضا، فضای انتزاعی دکارتی نیوتنی بود که نسبت به تاریخ، زمینه و جامعه خنثی و بی اثر بود و لذا در حیطه و بازه مطالعات علوم اجتماعی واقع نمی شد. در قرن بیستم اما فضا مندی به تدریج راه خود را به تحلیل های اجتماعی گشود تا آنجا که تحولات اواخر قرن بیستم در این زمینه را چرخش فضاوار علوم اجتماعی نامیدند. در این مقاله ضمن بررسی این تحولات در هر دو عرصه در نتیجه گیری اشاره خواهد شد که با روی آوردن به یک هستی شناسی رابطه ای در باب فضا و غنا یافتن آن از مطالعات میان و ترارشته ای، کلیدواژه فضا همچنان در نظریه معماری رهگشا خواهد بود و در رابطه آن با علوم اجتماعی نقشی میانجی گرانه خواهد داشت

## کلمات کلیدی:

فضا، نظریه معماری، علوم اجتماعی، چرخش فضاوار، میان رشته ای و ترارشته ای

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/529752>

